

نگاهی به درونمایه‌های اجتماعی در رمان‌های الطیب صالح سودانی

علی احمدیان کیسمی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۵

ناهید گندمی کال**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۹

حسین ابویسانی***

چکیده

هرچند اکثر شخصیت‌ها در رمان‌های الطیب صالح رمان‌نویس سودانی برگرفته از جامعه سنتی و عربی-آفریقایی سودان است؛ کشوری که طعم بسیار تلخ استعمار انگلستان را چشیده و با گذر از این دوران شوم، مرحله پسا استعماری و پیامدهای آن را تجربه کرده و می‌کند، اما نوع نگرش الطیب صالح جدای از آفریقایی و عرب بودنش، نگرشی بشر دوستانه توأم با حس نوع‌دوستی فارغ از وابستگی به جریان‌ها و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی، رنگ، نژاد، جنس، و دین است. در این میان، تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان ایرانی نیز از شرایط اجتماعی و سیاسی امری است که مورد تأیید اکثر صاحب‌نظران است. فرخی یزدی نیز از شرایط اجتماعی و سیاسی متأثر است. هدف از این پژوهش معرفی الطیب صالح و رمان‌های او به جامعه دانشگاهی و ادبی ایران و بررسی تبیین دیدگاه الطیب صالح نسبت به پدیده‌های اجتماعی در رمان‌هایش. روش مورد استفاده در این مقاله، کتابخانه یا اسنادی است که با ابزار فیش‌برداری مبادرت به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات پرداخته شده است.

کلیدواژگان: عروسی زین، موسم هجرت به شمال، مریود، سودان.

keysomi110@gmail.com

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

Nahid.gandomikal@yahoo.com

** استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

ho.abavisani@yahoo.com

*** دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی.

نویسنده مسئول: ناهید گندمی کال

مقدمه

الطیب صالح یکی از سرشناس‌ترین نویسندگان جهان عرب است و جایگاهی ویژه در جهان عرب دارد. به طوری که او را «عبقری الروایة العربیة» نامیده‌اند. او که در انگلستان ادامه تحصیل داده و در آنجا سالیانی زندگی کرده بود، از نزدیک با دیدگاه‌های اروپاییان خصوصاً انگلیسی‌ها که زمانی کشورش سودان مستعمره آن‌ها بود آشنا شد و رفتار آنان را با عرب‌هایی که در آنجا به تحصیل و اشتغال مشغول بودند می‌دید. از این رو مضامین اجتماعی بیش‌ترین محوریت را در رمان‌ها و آثار *الطیب صالح* به خود اختصاص داده‌اند. او با وجود تمامی نابسامانی‌ها، مشکلات، رنج‌ها و عقب‌ماندگی‌هایی که در کشورش سودان می‌دید، هیچ‌گاه از یاد نبرد که فرزند سودان و در محیطی عربی-اسلامی پرورش یافته است. بنابراین شیفته فرهنگ، تمدن و علم غرب نشد. او می‌دانست که غرب کلیدی جادویی برای حل تمامی مشکلات جهان عرب ندارد، اما می‌تواند میدان و سکوی پرشی برای رشد و بالندگی افکار و اندیشه‌های نوین اندیشمندان و فرهیختگان عرب باشد. تقابل میان شرق و غرب و به تعبیری من و دیگری، وجود فاصله طبقاتی در جامعه سودان، جایگاه زنان در این جامعه، حس میهن‌دوستی، ارزش‌ها و خصال اخلاقی نظیر محبت و مهربانی، باورها و اعتقادات، روابط میان انسان‌ها به‌ویژه در روستا، جایگاه سلطه، قدرت و سیاست، میراث و آداب و رسوم مردم این کشور در مراسم و مناسبات گوناگون و پدیده قبیله‌گرایی از جمله موضوعاتی است که در رمان‌های *الطیب صالح* مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

ضرورت انجام پژوهش

از آنجایی که رمان‌های *الطیب صالح* حاصل تجربیات و افکار و دیدگاه‌های این رمان‌نویس سودانی درباره جامعه عربی استعمارزده میهنش است، بر آن ایم تا با بررسی رمان‌های وی به شناخت جامع‌تری از وضعیت اجتماعی سودان دست یابیم و رویکرد یکی از مهم‌ترین رمان‌نویسان جهان عرب را که آثار وی تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است به جامعه دانشگاهی و ادبی ایران بشناسانیم. همچنین امیدوار است در این تحقیق ضمن بررسی رمان‌های *الطیب صالح* به این موضوع دست یابیم که این

رمان نویس آشنا با بینش فرهنگی و اجتماعی استعمارگر غربی، چگونه موضوعاتی همچون تفاوت‌های طبقاتی در جامعه، جایگاه زن در جامعه عربی سودان به خصوص در روستا، وضعیت اجتماعی بردگان سابق در سودان، افراد با نیازهای ویژه در جامعه، باورها و خرافات مردمی، قضیه پسااستعماری و پیامدها و بحران‌های ناشی از آن در سودان را به تصویر کشیده است. بی‌شک پژوهش و نگارش چنین رساله‌هایی می‌تواند دانشجویان، اساتید و اندیشمندان پارسی زبان را با دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و بینش روشنفکران معاصر عرب آشنا نماید و این امر به نوبه خود می‌تواند راهی باشد برای آشنایی و بهره‌مندی از اندیشه‌ها و تجربیات آنان.

پیشینه تحقیق

بررسی شرح حال و آثار طیب صالح با تکیه بر عناصر داستانی در رمان «موسم الهجرة إلى الشمال»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، ۱۳۸۹، استاد راهنما: قاسم مختاری، استاد مشاور: ابراهیم اناری بزلجویی، دانشجو: معصومه مولوی.

«بررسی داستان‌های کوتاه طیب صالح»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، سبزوار، دانشکده الهیات، ۱۳۸۹، استاد راهنما: محمد علی طالبی، استاد مشاور: حسین میرزایی نیا، دانشجو: محمد حیدری.

«المكان في الرواية العربية: أعمال الطيب صالح نموذجاً»، پایان نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان‌های خارجی، ۱۳۹۱، استاد راهنما: محمد خاقانی اصفهانی، استاد مشاور: نرگس گنجی، دانشجو: مریم اکبری موسی آبادی.

«روایت‌شناسی آثار داستانی طیب صالح بر مبنای رویکرد پسااستعماری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۴، استاد راهنما: علی اکبر احمدی چناری، استاد مشاور: علی اصغر حبیبی، دانشجو: ملکه خنیفر.

با نگاهی به پیشینه مذکور آشکار است که مقاله پیش روی با این عنوان پژوهشی تا کنون در هیچ یک از نشریات علمی- پژوهشی و یا علمی- ترویجی ارائه نشده است، که این امر خود مستلزم کوشش و همتی مضاعف برای مطالعه و بررسی پیرامون موضوع

پژوهش حاضر یعنی درونمایه‌های اجتماعی در رمان‌های الطیب صالح سودانی
رمان‌نویس سودانی است.

معرفی رمان‌های الطیب صالح

رمان «عروسی زین»

رمان «عروسی زین» پیرامون فردی ساده‌دل و پاک‌سرشت به نام زین است که هر روز عاشق و دل‌باخته دختری جدید از دختران روستای خود می‌شود، تا اینکه عاشق دختر عمویش به نام نعمه می‌شود. نعمه زیبارو و معروف به وقار و متانت است که پیش از این پیشنهاد تمام خواستگاران قبلی خود را نپذیرفته و بنابراین مجدداً بازگشته و تصمیم می‌گیرد با زین ازدواج کند. الطیب صالح در این رمان، فضا و محیط برپایی مراسم عروسی توسط مردم سودان را از صمیم قلب و از لحاظ توانمندی مردم در محبت کردن و بخشیدن و مدارا کردن با یکدیگر به تصویر می‌کشد.

نویسنده در یکی از مصاحبه‌هایش اظهار می‌دارد که فضا و محیط این رمان در یک جهان افسانه‌ای و صوفی‌گرایانه مملو و سرشار از رازها و اسرار پنهان و به صورت آشکارتر در شخصیتی به نام حنین به عنوان فردی نیکوکار و پرهیزگار و به طور جزئی در خود شخصیت زین جریان می‌یابد. بنا بر گفته یکی از منتقدین این رمان، حنین از لحاظ روحی تسلط کاملی بر این رمان دارد، به طوری که ناخودآگاه در لحظه‌ای بحرانی و خطرناک ظاهر می‌گردد. لحظه‌ای که زین، این انسان ساده‌دل، وراج و بی‌پهلو گوی قصد از بین بردن سیف‌الدین را آن‌هم بعد از شکست و ناکامی تلاش‌های صورت گرفته از سوی شش مرد قوی و نیرومند در گشودن و رها کردن سیف‌الدین از دستان قدرتمند زین دارد، چه اینکه یک کلمه تسلی‌بخش و آرام‌کننده حنین توانست سیف‌الدین را از مرگ حتمی نجات دهد و زین را هم از ارتکاب گناهی که آخر و عاقبت خوشی برایش نداشت بازدارد (بشری، ۲۰۱۵: ۲۷).

در خصوص توصیف این اثر می‌توان اظهار داشت که رمان «عروسی زین» در مجموعه آثار الطیب صالح به مرحله بعد از رمان «موسم مهاجرت به شمال» بر می‌گردد، اما به لحاظ موضوعیت رمان مذکور و نیز عامی بودن زبان این رمان و برخورداری از محتوای

موضوعی کم‌تر، آن‌چنان مورد نقد و بررسی قابل توجه همانند رمان «موسم مهاجرت به شمال» قرار نگرفته است. هرچند که این رمان از حیث دلالت و مفهوم فکری‌اش درباره موضوع طبقات زندگی حاشیه‌ای در جامعه و نظام و فاصله‌های طبقاتی اجتماعی، حائز اهمیت است (خفاجی، ۲۰۱۱: ۶).

رمان «عروسی زین» سنگ بنای اساسی در استحکام و استواری بخشیدن به قدمت و شهرت *الطیب صالح* است و شاید همین سنگ بنای اساسی است که تفسیرکننده و شرح‌دهنده الگوها، نشانه‌ها و ویژگی‌هایی است که در رمان «موسم مهاجرت به شمال» متجلی و آشکار گردیده است. شاید همین سنگ بنا تفسیرکننده نگرش و نگاه اصولی *الطیب صالح* نسبت به مردم و زندگی آنان باشد؛ لذا این سنگ بنا به عنوان افشرد و عصاره نگاه و نگرش صوفیانه *الطیب صالح* دارای تأثیر عمده‌ای در زندگی و نگارش او قلمداد می‌شود.

الطیب صالح در رمان «عروسی زین» یک الگو و نمونه داستانی منحصر در یک سری از عناصر عقل‌گرایانه یا روحی یا مادی‌گرایانه برگزیده است که در نتیجه، چنین الگو و نمونه و سبکی قابلیت تغییر یافتن را داراست. علی‌رغم اینکه توانمندی و قدرت *الطیب صالح* در محافظت از یک جوهر و اساس دارای قابلیت تفسیر و شرح دادن، آشکار است. با شناخت قالب و چهارچوب نخست رمان تنها می‌توان نسبت به شخصیت زین اظهار ترحم و دلسوزی نمود نه اینکه او را تحقیر و کوچک شمرد، اما با بروز تحولات فراوانی که ناگهان در رابطه با این شخصیت رخ می‌دهد، خواننده در وضعیتی قرار می‌گیرد که از حقیقت این شخصیت و عاقبت و سرانجام او خاطر جمع و مطمئن نمی‌شود. در ضمن، این موضوع را نیز باید در نظر گرفت که شخصیت مورد نظر دارای دو جنبه برجسته و قدرتمند است: نخست جنبه مادی و تجلیات آن در کمک و مساعدت نمودن به زنان در آوردن آب و شوخی و مزاح کردن با آنان و جنبه دوم، جنبه روحی که در بزرگی و منش و قدر و منزلت و نیز در قدرت افراط‌گرایانه‌ای که گاهی اوقات به‌طور افسانه‌ای و خیالی و در وقار و متانت، آرامش و اطمینان دادن، مهرورزی و محبت کردن به مردم، گذشتن از گناهانشان و در بیزاری و نفرت و کینه‌توزی نمایان می‌شود. گویا این جنبه در درون شخصیت زین دربرگیرنده چنین تناقضات و ناهمگونی‌هایی در وجود نوع انسان

است (العززی، ۲۰۰۹: ۹۵). رمان عروسی زین، همان بازده و نتیجه و اثر ارتباط فرهنگی با تغییر و تحولات اجتماعی مورد شناخت و آگاهی این روستای واقع در شمال کشور سودان طی دهه‌های نخست از نیمه دوم سده بیستم است. این رمان موارد متعددی را مطرح نموده که از بارزترین آن‌ها می‌توان به رابطه انسان روستایی با قدرت و حکومت و میراث دینی غیرمادی شفاهی و نانوشته اشاره داشت و نیز تضاد و تناقض منافع مادی میان گروه‌های تشکیل‌دهنده جمعیت و ساکنان این روستا را برای خواننده آشکار کرد. همچنین رمان مذکور رویکردهای راهبردی و وابستگی‌های قومی مربوط به گروه‌های اجتماعی تشکیل‌دهنده در فضای این روستا را رصد نموده و به تبیین موقعیت این روستا در ساختار ترتیب اجتماعی و طبقاتی‌اش پرداخته است (بورایو، ۲۰۱۲: ۶).

رمان «موسم هجرت به شمال»

رمان «موسم هجرت به شمال» از زبان راوی - جوانی بی‌نام - روایت می‌شود که پس از هفت سال تحصیل و زندگی در انگلستان به روستای زادگاهش واقع در کنار رود نیل در سودان بازمی‌گردد. نیروی محرک این رمان از جایی آغاز می‌شود که راوی در میان تمام آشنایانی که در ده کوچک زادگاهش می‌شناسد قرار دارد و مرد غریبه‌ای به نام مصطفی سعید را می‌بیند که کسی در مورد او اطلاعات چندانی در دست ندارد، جز اینکه او انسان خوب و بی‌آزاری است که برای خیر اهالی روستا کارهای زیادی انجام داده است. راوی جوان ضمن دوستی با مصطفی سعید، داستان زندگی او در لندن پس از جنگ جهانی اول را می‌فهمد و به ماجراهای گذشته زندگی او پی می‌برد.

مصطفی سعید، پسر نوجوانی بود که در دوران اشغال سرزمین سودان به دست انگلیسی‌ها، به دلیل نبوغ و هوش سرشارش در دوران تحصیل و یادگیری زبان انگلیسی به کمک بانویی انگلیسی به نام خانم رابینسون به مصر و سپس به انگلستان رفته و تحصیلاتش را تا مقطع دکتری در رشته اقتصاد ادامه می‌دهد. وی در طول دوران تحصیلش با فرهنگ انگلستان به‌ویژه غرب به شکل عام آشنا شده و خود را با آن تطبیق می‌دهد. پس از پایان تحصیلات، با زنان اروپایی زیادی روابط جنسی برقرار می‌کند که بعد از فریب دادن شماری از آنان، شیفته زنی به نام جین موریس می‌شود که در ابتدا

مصطفی سعید را مورد سرزنش، آزار و تحقیر قرار می‌دهد و حتی بعد از ازدواج با او باز هم تسلیم او نمی‌شود. در آخر مصطفی سعید، زنی را که بی‌نهایت شیفته او شده بود به قتل می‌رساند و به زندان می‌افتد و پس از سال‌ها دوری از وطن سرانجام به کشورش سودان برمی‌گردد و به صورتی کاملاً مرموز و نامعلوم خود را به رود نیل می‌اندازد و غرق می‌شود. بدین شکل به زندگی‌اش پایان می‌دهد (فرح، ۲۰۰۹: ۱۰).

ماجرای زندگی مصطفی سعید تأثیر عمیقی بر راوی جوان می‌گذارد. او هم که سال‌های زیادی را در غرب زندگی و تحصیل کرده با بازگشت به زادگاهش با چیزهایی روبه‌رو می‌شود که نشان تمدن غرب است و با شنیدن داستان گذشته اسرارآمیز مصطفی سعید دچار نوعی سرگستگی هویت می‌شود. او در کل رمان دچار نوعی هم‌ذات‌پنداری با مصطفی سعید می‌شود و در آخر وقتی خود او نیز در رود نیل با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند تصمیم می‌گیرد دست از هم‌ذات‌پنداری بردارد و خودآزارانه به زندگی ادامه دهد (طرابیسی، ۱۹۹۷: ۱۱).

رمان بندرشاه - ضو البیت

الطیب صالح رمان «ضو البیت» را با دو بیت از یک شعر عامیانه سودانی آغاز می‌کند که در آن شاعر شکوه و گلایه خود را درباره سختی و دشواری سفر به دیاری ابراز می‌کند که نه تنها هیچ نام و نشانی از این دیار باقی نمانده، بلکه موجب فراق و دور شدن او از معشوقه‌هایش شده است. لذا هدف *الطیب صالح* از آوردن این دو بیت شعر این بوده که توجه خواننده را نسبت به موضوع اصلی این رمان جلب کند (محمدیة، ۲۰۰۷: ۸۳).

اگرچه رمان «موسم هجرت به شمال» موفقیت و شهرت فراوانی را از جانب ناقدان و پژوهشگران ادبی کسب کرده، اما *الطیب صالح* بارها مراتب حزن و اندوه خود را نسبت به دو رمان دیگرش یعنی «بندرشاه - ضو البیت» منتشرشده در سال ۱۹۷۱ و «بندرشاه - مریود» منتشرشده در سال ۱۹۷۶ ابراز داشته است. حزن و اندوه این رمان‌نویس سودانی از این حیث است که این دو رمان آن‌چنان که باید مورد نقادی و توجه و اهتمام محافل نقد ادبی قرار نگرفته است. به اعتقاد وی، هرچند این دو رمان از جمله آثار ارزشمند او به شمار می‌آیند، اما در عین حال مظلوم واقع شده‌اند. ناگفته نماند که رمان‌های مذکور

به عنوان طرح و سرآغازی برای رمان دیگری به نام «جبر الدار» از این رمان‌نویس به حساب می‌آید که وی بارها وعده تکمیل آن را داده است اما مرگ مانع از به سرانجام رسیدن این اثر شد.

اما در خصوص وجه تسمیه این رمان به بندرشاه باید گفت که این اسم کلمه‌ای فارسی مرکب از دو مقطع است: بندر به معنای شهر یا پایتخت؛ و شاه به معنای مَلِک. *الطیب صالح* خود در این خصوص می‌گوید: بندر، نماد شهر و شاه، نماد ملک است؛ بنابراین می‌شد این رمان را «شاه و شهر» نیز بنامیم. در هر صورت، نام بندرشاه را برای این رمان برگزیدیم؛ زیرا مشکل ما در این رمان اولاً تلاش برای یافتن شهر(البندر) و دوم پیدا کردن یک فرمول یا نسخه مناسب برای سلطان(شاه) است(محمدیه، ۲۰۰۷: ۸۳).

رویدادهای رمان «ضو البیت» درباره جوانی است که یکی از اهالی روستای ود حامد به نام حسب الرسول او را بیهوش درکنار رود نیل می‌یابد. آنگونه که به نظر می‌رسد سیلاب او را از مکانی ناشناخته به این روستا کشانده است. این جوان که حافظه خود را از دست داده و چیزی از گذشته‌اش به یاد نمی‌آورد، پوست سفیدی دارد که این امر موجب می‌شود حسب الرسول، وی را ضو البیت یعنی روشنایی خانه نام نهد. او پس از گفتن شهادتین به دین اسلام گرویده و همانند دیگر اهالی روستا با او تعامل می‌شود. ضو البیت نماز خواندن را می‌آموزد و با یکی از دختران اهالی روستای ود حامد ازدواج می‌کند. صداقت و فداکاری او در کار و فعالیت و مشارکت‌های اجتماعی همگانی مثال زدنی است. در خصوص اصالت ضو البیت و اینکه متعلق به کجاست، نقل و قول‌های متعددی بر سر زبان‌ها جاری بود. عده‌ای او را یکی از پادشاهان نصرانی حکومت نوبه قلمداد می‌کردند که بنا بر باور عده‌ای، وی پادشاهی کافر و مشرک بود. گروهی دیگر ضو البیت را پادشاه حبشی موسوم به مندرس می‌دانستند و بعضی نیز می‌گفتند که او مردی سفیدپوست بود که در اواخر حکمرانی شاهان سنار به روستای ود حامد آمده و تجارت و کار خرید و فروش برده را در پیش گرفته بود(صالح، ۲۰۰۶: ۴۰).

بنابراین ضو البیت از مهم‌ترین شخصیت‌های مورد اهتمام *الطیب صالح* محسوب شده و از جمله شخصیت‌هایی است که پرسش‌های فروانی پیرامون او مطرح می‌شود. شخصیتی که به طرز خارق‌العاده‌ای پا به روستای ود حامد می‌گذارد و به طرز

شگفت‌انگیزی هم از آنجا محو می‌شود. می‌گویند در یکی از شب‌هایی که باد اُمشیر می‌وزید، امواج رود نیل او را با خود به ساحل روستای ود حامد آورده است. او به مانند عفریتی در برابر دیدگان حسب الرسول که مشغول آبیاری زمینش در سالیانی دور بود، پدیدار شد. ناگهان صدای حرکت چیزی در آب را شنید گویا که تمساحی روی آب آمده باشد.

ضو البیت با همان اوصاف ظاهری‌اش در برابر دیدگانم پدیدار گشت؛ دارای پوستی سفید و قامتی کشیده و چشمانی سبزرنگ. آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کرد رنگ پوست و سبزی چشمانش بود که با سایر اهالی سودان متفاوت بود. تنها چیزی که ضو البیت به همراه داشت یک جعبه توتون بود. او به مدت پنج سال با اهالی این روستا زندگی کرد و با آنان معاشرت داشت تا اینکه یک دفعه غیبش زد و همه در به در دنبال او گشتند، اما ضو البیت رفته و هیچ اثری از خود بر جای نگذاشته بود (صالح، ۲۰۰۶: ۱۰۱).

درباره شخصیت ضو البیت و اصل و نسب و خاندانش ذکر سه نکته حائز اهمیت است: نخست، مرحله پدیدار شدن او که از عدم شکل گرفته و رشد یافته است. دوم، مرحله ناپدید گشتن ناگهانی او از صحنه رویدادها و سوم؛ مرحله شگفت‌انگیز او شامل رخدادهایی است که به بندرشاه و مریود برمی‌گردد (بکری، ۱۹۹۹: ۵۱).

بندرشاه به سربازان خویش دستور داد تا جامه از تن آن یازده مرد درآورده و به آنان شلاق بزنند. آن یازده تن را یکی پشت سر دیگری پیش مریود آوردند و او همه آنان را شلاق زد. در این هنگام بندرشاه نشسته بر روی تختش نظاره‌گر ماجرا بود. جوی خون از پشت این یازده مرد بر زمین جاری گشت. این یازده مرد آنقدر شلاق خوردند تا از شدت درد بیهوش بر زمین افتادند و غرق در خون خویش شدند. آنگاه خادمان جام‌های شراب را آوردند و به دست بندرشاه و مریود جامی از شراب دادند و آنگاه نوبت ورود دختران برهنه برای رقص و پایکوبی رسید (صالح، ۲۰۰۶: ۴۹).

رمان «ضو البیت» در آغاز، خواننده و مخاطب را به سمت نوستالژی سالمندان ساکن در روستای ود حامد سوق می‌دهد که گذشته را به لایه‌های پنهان جامد حافظه می‌سپارند و هیچ چیزی جز فراموشی و نسل‌های آینده چالش‌گرا نمی‌تواند آن را متزلزل

سازد. این موضوع خصوصاً در مورد شخصیت محبوب یعنی رأس هرم حاکم بر روستای ود حامد صدق می‌کند که ریاست و حاکمیت خود را پس از روی کار آمدن و به قدرت رسیدن الطریفی ود بگری و دار و دسته‌اش، از دست می‌دهد. حکایت محبوب و باند او به سان دندان پوسیده و متعفن است که پس از سی سال تحمل درد، از ریشه کنده و دور انداخته می‌شود. *الطیب صالح* در اینجا به این نکته اشاره می‌کند که هنگامی که قرار است تغییری روی دهد، نیرو و قدرت سنتی و شکل و وضعیت موجود توانایی ایستادگی در برابر آن را ندارد. او حتی پا را فراتر از این می‌گذارد و با تبیین تغییر می‌گوید که ماهیت تغییر فی‌نفسه به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را در یک دایره بسته محصور کرد تا تمایلات و خواسته‌هایمان را تأمین نماید (ابراهیم، ۲۰۰۹: ۴۲).

معرفی رمان بندر شاه - مریود

الطیب صالح رمان «مریود» را با اشعاری از شاعر *بونواس* آغاز می‌نماید، سپس گزیده‌ای از «کلیله و دمنه» در باب برزویه طیب را بیان می‌دارد. این رمان، داستان عاشقانه میان مریود (قهرمان رمان) و معشوقه‌اش مریم (مریوم) را حکایت می‌کند که سرانجام از دنیا می‌رود. اما محتوا و مفهوم این رمان خیلی بیش از این سخن‌ها است. این رمان از وفاداری، آمدن نسل‌های متوالی، اصالت، نژاد، عشق و دلدادگی، شعر، زبان و تمدن سخن می‌گوید (صالح، ۱۹۹۷: ۷۳).

رمان «مریود» در واقع بخش دوم از مجموعه رمان‌گونه بندر شاه است؛ داستانی کوتاه که بیانگر عشق و محبت و آرزوهاست. در ضمن شخصیت‌های مورد نظر *الطیب صالح* مانند مریود و مریوم و الطاهر ود الرواسی و الشیخ نصرالله است که آن‌ها را در رمان خود خلق و آفریده است. همان‌طور که نویسنده این رمان، زندگی روستایی ود حامد و توصیف این روستای خیالی مورد نظر در کشور سودان را با تمام جزئیاتش بر اساس یک طرح رمان‌گونه خلاقانه و نوآورانه مورد پردازش و بررسی قرار می‌دهد، طرح اصلی رمان به‌طور عادی همراه با یادآوری جزئی از روزگار جوانی و به نوعی نوستالژی و یادآوری روزهای قدرتمندی و شکوه و عظمت آغاز می‌شود. آنگاه شروع به بیان رثای گذشته و تشییع جنازه یک جریان داستان‌گونه عاشقانه زیبا می‌نماید که ده‌ها سال به انتظار

نشست، اما عمده سخن این رمان در مورد داستان دلدادگی مریوم و مریود است که در حقیقت از افسانه بندرشاه که همواره میان سطرهای رمان در یک روایت نابغانه و شگفت‌انگیز به چشم می‌آید، عاری و تهی نمی‌باشد (حسینة، ۲۰۱۶: ۵).

حوادث داستان مذکور در این رمان، متکی بر دو اصل و عنصر است: نخست، عنصر عشق و محبت و دوستی، چراکه عشق و دلدادگی و محبت خود عامل و مسبب غلبه اصلی بر تمام حوادث از آغاز عشق طاهر ود الرواسی نسبت به ماهی بزرگی است که آرزوی شکار کردنش را دارد تا عشق شیخ نصرالله و آن‌گاه عشق و دلدادگی مریود و مریوم. نمونه‌های متعددی از دوستی و محبت میان انسان و حیوانات و میان دوست و معشوقه و رفیق وجود دارد، آنگاه نویسنده داستان خود را با عشقی قدرتمندانه میان مریوم و مریود به پایان می‌رساند تا جایی که چنین عشق و علاقه‌ای در توصیف احساسات‌شان تجلی و نمود پیدا کرده، به طوری که خواننده را به گونه‌ای قرار می‌دهد که احساس داشتن یک انرژی و توان عاشقانه مسلط بر عقل و قلب خویش در طی خواندن این رمان را داشته باشد. اما عنصر دوم در این داستان مکان و محل می‌باشد، به طوری که ملاحظه می‌گردد مکان با قدرت تمام در همه جای داستان حضور دارد که مقصود از محل همان روستای ود حامد به عنوان نمادی از روستاهای کشور سودان است و *الطیب صالح* به طور ماهرانه‌ای توانسته تا مکان مورد نظر و به خصوص رود نیل را در داستان خود مورد استفاده قرار دهد و او را با تمام قدرت در تمام حوادث سهیم و حاضر بداند (فهمی، ۱۹۷۹: ۱۱).

واژه مریود در گویش سودانی به معنای «محبوب و معشوقه» است که به عنوان یک اسم غلم به برخی از مردم سودان اطلاق می‌گردد و نیز دلالت دارد بر کلمه «رید یا ریده» که به معنای همان عشق و محبت و دوستی در زبان مردم کشور سودان می‌باشد. واژه ریده مشتق و گرفته شده از فعل اراد یرید به معنی خواستن و اراده کردن است که در زبان عربی به عنوان یک فعل مطلق به حساب آمده و مردمان کشور سودان از این کلمه، تعبیر به محبت و دوستی میان خود می‌نمایند (الفیاء، ۲۰۱۰: ۲).

در رمان مریود اثر نویسنده بزرگ عربی سودانی *الطیب صالح*، یکی از شخصیت‌های رمان به نام الطاهر ود الرواسی به دوست و رفیق خود محمیم راوی می‌گوید: «در

زندگی تنها دو حاجت و نیاز وجود دارد: دوستی و محبت کردن. نه اصل و نسب و نه مال و دارایی. انسان اگر این دنیا را با حالتی از اطمینان خاطر و آرامش ترک کند به طور قطع در این راه سود برده است و خداوند عزیز و بزرگوار مرا به انواع راه‌ها و تدبیرها گرامی داشته است یعنی به وسیله سخاوتمندی و بخششی بزرگ و به من به جای یک نعمت، دو نعمت ارزانی داشته است: دوستی محبوب و عشق به فاطمه دختر جبر الدار» (صالح، ۱۹۹۷: ۳۷ و ۳۸).

در این واژگان و کلمات ساده زیبا به مفهوم و معنای اصلی که مورد نظر ادبیات الطیب صالح است پی می‌بریم و مهم‌تر از آن اینکه این بیان، همان مفهوم مورد توجه در شخصیت انسان دوستانه الطیب صالح می‌باشد؛ چراکه الطیب صالح، خود به عنوان یک انسان، تجسم این معنای زیبایی است که در رمان مریود از آن یاد می‌نماید و قبل از آنکه به طور مفصل بدین سخن پردازم، دوست دارم تا اشاره‌ای سریع و گذرا به مفاهیم برخی از واژگان ذکر شده در عبارت پیشین داشته باشم؛ زیرا الطیب صالح در اینجا از گویش محلی کشور سودان به عنوان یک لهجه ساده استفاده می‌نماید که آن چنان نیازی هم به مشقت و رنج و سختی در درک آن‌ها نمی‌باشد.

کلمه مریود همان نام رمان شناخته شده از رمان‌های الطیب صالح نویسنده سودانی است که به معنای فرد محبوب و دوست داشتنی یا آن فردی است که مردم خواهان او هستند و بدان متمایل می‌گردند و نام «محیمید» هم در اصل محمد است که در زبان مردم سودان من باب حالت عشوه‌گری و ناز و کرشمه و احساس الفت و دوستی به محیمید تغییر یافته است. کلمه «ود» هم در اصل لغت به معنی فرزند است و این بیان تلاش و کوششی است از جانب بنده در تفسیر گویش عامیانه کشور سودان و امیدوارم که در این باره دچار اشتباه نگردیده باشم زیرا تکیه من در اینجا بر فهم و درک ویژه از خودم است و حال آنکه هیچ منبعی از کشور سودان در اختیار ندارم تا مرا از اشتباه مصون دارد. الطیب صالح از گویش عامیانه سودانی در برخی از آثار خود مانند رمان مریود استفاده می‌کند که ذکر عبارت پیشین به معنای این جمله است که: زندگی بر پایه محبت و دوستی و الفت بنا نهاده شده است (النقاش، ۲۰۰۱: ۲). در اینجا اندکی در مقابل یکی از صحنه‌های رمان مریود درنگ می‌کنیم، همان صحنه‌ای که رابطه الطاهر ود

الرواسی را با یکی از ماهیان رود نیل بیان می‌نماید. یک رابطه افسانه‌ای کامل که در آن خیال‌پردازی و عقل درون و تاریخچه افسانه‌ای رود نیل حاکم است، نه حاکمیت منطق عادی و عقل آگاهانه مطلق. این همان تصویری است به نام نگاتیو فنی که *الطیب صالح* آن را در اینجا ترسیم نموده که به وضوح و روشنی در برابر خواننده آشکارکننده دنیای فنی و هنری و روحی خود به وسیله سبک و سیاق مورد نظرش در استفاده و بکارگیری از اسطوره و افسانه‌شناسی به صورت یک فن باشکوه و هنرمندانه عالی است. *الطیب صالح* در این باره می‌گوید (صالح، ۱۹۹۷: ۳۱):

«الطاهر ود الرواسی بدون آنکه روی خود را از سمت رود نیل برگرداند، به سوی من متمایل گردید، اما پرسش همچنان میان رود نیل و آسمان در هوا معلق مانده بود، صورتش به طور کامل در میان آن تاریکی مطلق آشکارا می‌درخشید، گویی که نور از درونش متصاعد و نمایان می‌گردد.

ناگهان فریاد کشید: (خطاب به ماهی) پدرسگ.. امشب تو تورم افتاده..

بهش گفتم: حتی بین ماهی‌ها.. ماهی ماده ماده است، و نر نر..

در آن تاریکی مثل اینکه کور بودم و هیچ چیزی رو نمی‌دیدم، ولی الطاهر ود الرواسی می‌دید و می‌شنوید.. ود الرواسی طوری با ماهی صحبت می‌کرد که انگار زبان همدیگر رو می‌فهمن..

سه ماه تمومه که دنبالشم و می‌خوام صیدش کنم.. (ماهی) حرامزاده.. مثل جن و پری می‌مونه.. یه بار تور رو پاره کرده.. یه بار هم طعمه رو بلعید و از دستم در رفت.. (همان: ۳۲).

این صحنه به ظاهر واقعی تصویری است افسانه‌ای که از سوی *الطیب صالح* ارائه می‌گردد و به عنوان یک سکانس و صحنه‌ای بی‌نظیر در کل ادبیات عرب تلقی می‌شود، زیرا ارائه‌گر رابطه‌ای میان یک انسان با یکی از پریان رود نیل است، همان رابطه‌ای که الطاهر ود الرواسی شک ندارد به اینکه آن واقعی است. لذا انسان در اینجا در آن دنیای منطقی که همه بدان اعتقاد جازم و مسلم داریم، حضور ندارد. اما ود الرواسی ماهیگیر با یک رضایتمندی کامل در یک جهان افسانه‌ای نشأت گرفته از درون خویش و از طریق نگرش و رؤیاهای ویژه‌اش زندگی می‌کند. این امر در جهان *الطیب صالح* مسأله‌ای تازه و

باشکوه است. همان کشف و نمایاندن حالت صوفی‌گر بزرگی که از نظر این هنرمند بُعد و جنبه تازه‌ای را درک می‌کند که از قبل در ادبیات عرب وجود نداشته است، مگر در نزد اهل تصوف و عاشقان سیر و سلوک روح و سالکان و اصحاب طریقت (حسینة، ۲۰۱۶: ۷).

یافته‌ها

مضامین اجتماعی در رمان عروسی زین

در این رمان شاهد توصیفی دقیق و با ظرافت اما آهسته همراه با تأنی و آرامش در خصوص بیان زندگی روستاییان، تفکرات، آداب و رسوم، اخلاق و احساسات‌شان هستیم. *الطیب صالح* به هنگام تفسیر و شرح زندگی اهالی روستا نسبت به هر حادثه‌ای که در آنجا رخ می‌دهد، آن را از دو سطح مورد ارزیابی قرار می‌دهد: سطح مادی‌گرایی زمانی و سطح روحی-معنوی. ما در این رمان در مقابل خود الگوها و نمونه‌هایی انسانی داریم که قدرت بیان دارند، خواه این شخصیت‌ها به شکل اصلی یا به شکل ثانوی و بدون هیچ نقشی باشند، ولی تمام این الگوها و شخصیت‌های مورد نظر در قالب همین رودخانه پرآب و سرشار از زندگی سراسر اسرار و رازهای پنهانی روستا جریان می‌یابد. به عنوان مثال، به هنگام توقف و تأملی کوتاه درباره شخصیت بیننده و نظاره‌گر به عنوان یک شخصیت زودگذر، میزان راستگویی و صدق در بیان و تعبیر و نیز انسانیت او را در خیر و شر خواهیم یافت، همان‌گونه که نویسنده آداب و رسوم را از دل خود همین روستای سودانی برانگیخته است. حتی *الطیب صالح* در رمان عروسی زین راجع به خرابه و ویرانه جن‌زده‌ای سخن می‌گوید که شخصیت زین وارد آن شده و تمامی دندان‌هایش به جز دو دندان فک‌های بالا و پایین افتاده و شکسته است. *الطیب صالح* همچنین در این رمان به شخصیتی مستضعف و دارای نیازهای ویژه به نام موسی لنگ که جزء بردگان بوده و بعدها وراثت وی را رها و ترک نموده، پرداخته است. نمونه‌های چنین افرادی در جامعه فراوان و زیاد است؛ لذا وجود چنین صحنه‌هایی در این رمان به مثابه همان انگشت نهادن بر روی زخم و درد کهنه و مزمن موجود در جامعه است و گویا نویسنده متذکر برخی از پدیده‌ها و عقاید در جامعه شده است. نویسنده در قبال کنیزکان یا خوانندگان زن هم دارای یک موضع انسان‌دوستانه است و آنان را به گونه‌ای در رمانش ترسیم می‌-

کند تا در مراسم عروسی زین به عنوان یک الگو و نمونه همراه با یک جو و فضای دینی صوفی‌گرایانه مشارکت داشته باشند؛ لذا هر کدام به ایفای نقش خود می‌پردازد و هیچ‌گونه تناقض و تعارضی میانشان وجود ندارد. بدین ترتیب پیام نویسنده گویای این سخن است که زندگی یک نغمه و موسیقی پر گیرودار و درهم پیچیده‌ای است که هر شخصی در آن‌ها راه خود را می‌یابد، بدون آنکه موجب بروز ناراحتی و دلگیری و دردسر برای سایرین شود. چنین اموری برای سازندگان و بوجود آورندگان‌شان حلال و رواست، ولی برای بدخواهان و توهین‌کنندگان، حرام و ممنوع است؛ لذا عشق، محبت، ازدواج و قدرت جنسی و باروری همگی جزو اموری هستند که باید به جای سرافکنندگی و خجالت کشیدن، بدان افتخار و مباحات نماییم. از جمله مهم‌ترین مضامین اجتماعی در این رمان، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- سلسله مراتب اجتماعی در روستای ود حامد
 - وضعیت اجتماعی بردگان گذشته در سودان
 - افراد با نیازهای ویژه اجتماعی
- جایگاه و قداست اجتماعی زین در میان روستاییان
- باورها و اعتقادات مردم در این رمان
 - باورهای مردمی و خرافات
 - اعتقاد به موضوع سرنوشت و کرامات
- آداب و سنن و میراث مردمی سودان در این رمان
 - جایگاه و نقش داستان‌های عامیانه قدیمی در جامعه سودان
 - جایگاه و نقش ترانه‌های محلی در این رمان
- طنزپردازی اجتماعی در این رمان
 - صحنه‌های طنزآمیز
 - سکانس‌های طنزآمیز مربوط به غذا خوردن
 - صحنه‌های طنزآمیز پیرامون شکل و اندام بدن
- رابطه میان من و دیگری در این رمان
- نگاهی به فیلم عروسی زین ساخته شده بر اساس این رمان

مضامین اجتماعی در رمان موسم هجرت به شمال

- ارتباط میان من و دیگری در این رمان
 - رابطه اجتماعی میان مصطفی سعید و خانم رابینسون
 - رابطه اجتماعی میان مصطفی سعید و زنان انگلیسی
- ارتباط با خود/ ذات در این رمان
- نوع رابطه اجتماعی میان راوی و مصطفی سعید
- طرح معضل تقابل و رویارویی میان ذات(درون) گرایبی و نوع دوستی
- مقوله پسااستعماری و پیامدها و بحران‌های ناشی از آن در جامعه سودان
 - رویارویی شرق با غرب
 - روان گیسختگی و بریده شدن از هویت اصلی
 - هژمونی نظامی و فرهنگی در جامعه سودان
- مرگ و اشکال آن در این رمان(مرگ طبیعی - خودکشی کردن - قتل)
 - راز خودکشی زن در این رمان
- پایگاه اجتماعی زن در این رمان
 - رابطه دوگانه میان زن و زمین
- حس میهن دوستی و جایگاه آن در این رمان

مضامین اجتماعی در رمان بندر شاه - ضو البیت

- پدیده اجتماعی، جایگاه و نقش فرد غریبه در جامعه سودانی
- وضعیت اجتماعی ود حامد و تاریخچه قدرت و سلطه سنتی در این روستا
- قطب‌های اجتماعی متناقض در روستای ود حامد
- نقش و موضع جامعه در قبال هژمونی
- تغییرات در روستای ود حامد در پی منازعه بر سر قدرت
- روابط و مراودات حاکمان و اهالی در روستای ود حامد
- قبیله؛ پدیده‌ای اجتماعی در ود حامد

مضامین اجتماعی در رمان بندر شاه - مریود

- نقش و جایگاه زن در جامعه
- پدیده مرگ در این رمان
- نگرش جامعه به نقش دین و دانش در زندگی
- جایگاه و نقش باورهای صوفیانه در جامعه و حل مشکلات زندگی
- جایگاه عشق و محبت در این رمان

نتیجه بحث

پیش از هر سخنی باید گفت که اصولاً نگاه الطیب صالح مبتنی بر زندگی و جریان و مسیر زندگی انسان‌ها است. یعنی یک نگاه بشردوستانه توأم با حس نوع‌دوستی فارغ از تمامی مکاتب، جریانات، گرایش‌ها، رنگ، نژاد، جنس، دین و آیین. اگر این چهار رمان الطیب صالح یعنی عروسی زین، موسم هجرت به شمال، ضو البیت و مریود را از منظر حس نوع‌دوستی، روابط اجتماعی و احترام متقابل به من و دیگری بنگریم و مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل اجتماعی قرار دهیم، درمی‌یابیم که این رمان‌نویس سودانی تنها و تنها یک روستا را آن هم روستای خیالی و ساخته و پرداخته نبوغ ذهنی‌اش موسوم به ود حامد را به‌عنوان معیار و نمونه‌ای برای جا دادن و نهادینه کردن این نوع مناسبات انسانی - اجتماعی معرفی کرده است. او پس از آنکه روستای خیالی و به اصطلاح روستای فاضله ودحامد را در ذهن خویش بنا می‌کند، شروع به ساختن شخصیت‌های رمان‌ها و اعطای نقش به آنان می‌نماید که در واقع از این کار و اجرای این طرح اجتماعی، هدفی دارد و آن، ارائه نمادهایی انسانی است. روستا از زاویه دید الطیب صالح به معنا و مفهوم جامعه انسانی منتها در نوع کوچک آن است. او روستا و یا بهتر بگوییم این جامعه فاضله خود را مظهر زندگی، پویایی، نشاط، سرزندگی و زایش می‌داند و به آن اعتقادی راسخ دارد. البته این را هم باید بیفزاییم که روستا از دیدگاه الطیب صالح نقطه مقابل شهر است. بنابراین می‌بینیم که او حتی در پاره‌ای از سکانس‌ها و صحنه‌های رمان‌ها به ریز جزئیات و عناصر موجود در روستا نیز می‌پردازد. این نویسنده سودانی می‌کوشد روستای ود حامد را نه تنها برای خواننده و هموطن سودانی خود به زیبایی و با ظرافت کامل و

دقیق مجسم کند، بلکه درصدد است تا حتی خواننده غیرسودانی و یا بهتر بگوییم غیرعرب خود را نیز بر سر شوق و رغبت آورد تا تجسم عینی این روستای سودانی هم برای او به درستی قابل درک و فهم باشد.

در حقیقت ما به عنوان خوانندگان رمان‌های *الطیب صالح* با تمرکز او بر بهره‌گیری فراوان از عنصر مکان روبه‌رو می‌شویم که به نظر می‌رسد در این راستا طبیعتاً با دو نوع مکان سر و کار داریم: یکی مکان ثابت و ایستا، اما در عین حال پویا و سرزنده و پرنشاط و قابل اعتماد به آن و نماد زندگی که در روستای ود حامد تجلی می‌یابد. دیگری مکانی متغیر که شهر نام دارد. شهرهای خارطوم، قاهره و لندن نمونه‌هایی متغیر، بی‌بات، متزلزل، پرهیاهو، بی‌رنگ و عاطفه و غیرقابل اعتماد از جمله نمادهای مدنی و غیرروستایی است که او در این رمان‌ها معرفی می‌کند. بنابراین به اعتقاد *الطیب صالح* دل‌شوره و نگرانی این را دارد که تغییرات و تحولات و مظاهر شهری خشن و بی‌حس و عاطفه و فاقد ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و انسانی به قلب و دل این روستای آرام و با صفا رخنه کند و آن را به میدانی برای کارزارها و نبردها و چالش‌های اجتماعی تبدیل کند و از آن شکل و هسته اولیه و ذاتی خود خارج نماید.

الطیب صالح از لابه‌لای متون رمان‌هایش به‌نظر می‌رسد که آدمی است که هیچ سر جنگ و منازعه‌ای با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و در یک کلمه با دیگران ندارد، چه اینکه او به دید احترام و محبت به همه اقوام و ملل و فرهنگ‌ها می‌نگرد. *الطیب صالح* من را در مقابل دیگری نمی‌خواهد و در دفاع از من اقدام به بمباران اخلاقی دیگری نمی‌کند. او معتقد است که شمال شمال است و جنوب جنوب، شرق شرق و غرب غرب و هرگز نمی‌توان این دو را با هم عجین کرد و آمیخت تا یک شکل شوند، زیرا به اعتقاد او هر یک از این مفاهیم و اصطلاحات اجتماعی، ویژگی‌ها و تعاریف خاص خود را دارند. اما آنچه که در این میان مهم است این است که باید اشتراکات و نقاط مثبت، ارزشمند و سازنده در میان این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و میراث‌های بشری گوناگون را شناسایی و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرد و از این پتانسیل بالقوه در راستای تحقق رشد و کمال و تعالی انسانیت بهره‌برداری کرد. *الطیب صالح* به فن‌آوری، دانش، صنعت و فرهنگ دیگری به دیده احترام می‌نگرد و امیدوار است که مظاهر پیشرفت علمی صنعتی غرب نه تنها در

جامعه سودانی، بلکه در تمامی جوامع عرب و غیر عربی مورد استفاده درست و منطقی قرار گیرد. از این منظر، *الطیب صالح* نه تنها هیچ‌گونه مخالفت و خصومتی با فرهنگ و مدرنیته غربی ندارد بلکه از آن نیز مشروط به آنچه که گفته شد، استقبال می‌کند. هر چند که روی صحبت این رمان‌نویس سودانی بیش‌تر با فرهنگ و اقوام و ملل عرب است، اما نگاه او همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتم نگاهی جامع و شمولی به همه آحاد بشریت فارغ از رنگ، جنس، نژاد، دین و کیش و آیین است.

از سوی دیگر، صراحت لهجه و بیان *الطیب صالح* در رمان‌هایش و بکارگیری پاره‌ای از الفاظ و کلمات در مواجهه وی با تابوهای سه‌گانه، هر چند به مذاق برخی از منتقدان و مخالفان او به‌ویژه در جامعه‌ای بسته، سنتی و محافظه‌کار مثل سودان، خوش نیامده بود، اما این موضوع باعث نومییدی و دلسردی و امتناع ورزیدن او از صراحت‌گویی نشد. او به حکم اینکه انسان موجودی اجتماعی است، خود را جزئی از همین جامعه انسانی می‌داند و از این رو در صدد برمی‌آید تا معضلات و چالش‌های پیش‌روی انسان را به زبان ادبی خود بیان کند؛ لذا با طرح مضامین و مسائل غالباً اجتماعی در رمان‌هایش خواهان نجات و رهایی نوع انسانی از چنگال فقر، بردگی، محرومیت و برداشتن محدودیت‌ها و موانع از سر راه آدمی جهت دستیابی به رشد و کمال و کرامت مطلوبش است. درباره نوع نگاه *الطیب صالح* به زن نیز باید بگویم که او به این قشر از جامعه، نگاهی انسان‌دوستانه توأم با عزت و احترام و مبتنی بر ارزش‌ها و کمالات دارد، هرچند که این رمان‌نویس سودانی در هیچ یک از رمان‌های چهارگانه خویش یعنی عروسی زین، موسم هجرت به شمال، ضو البیت و مریود، نقشی کلیدی و اساسی به شخصیت‌های زنانه نداده است. این موضوع به معنای بی‌ارزش و حاشیه‌ای بودن زن در جامعه و در مرکز قرار گرفتن مرد نیست. به علاوه این نکته را هم باید اضافه کنیم که هرچند *الطیب صالح* تصاویری گوناگون از شخصیت‌های زنانه در رمان‌هایش برای خوانندگان خود ترسیم می‌کند یعنی شخصیت‌هایی شرقی نظیر بت مجذوب، حسنه بنت محمود، مادر مصطفی سعید، آمنه، حلیمه، مریم و حواء بنت العریبی، و شخصیت‌هایی غربی از قبیل خانم الیزابت رابینسون، همند، گرینود، سیمور و جین موریس؛ اما او از میان همه این شخصیت‌های زنانه، جایگاه و منزلتی ویژه برای زن پایبند به خانواده، اصول و ارزش‌ها، زن شجاع و دلیر و قدرتمند

و در عین حال مهربان و دلسوز قائل است. زنی می‌کوشد خود را از پابند و غل و زنجیر آنچه که مانع از دستیابی به آزادی و کرامت والای انسانی، تصمیم‌گیری عادلانه و درست در زندگی‌اش و برخورداری از حق تعیین سرنوشتش می‌شود رهایی بخشد.

به طور کلی شخصیت *الطیب صالح*، با توجه به متن رمان‌ها و مضامین اجتماعی استخراج شده، شخصیتی اجتماعی با تأکید بر اجتماعیات جامعه بومی خود رقم می‌خورد. شاید رمان‌نویس‌های اندکی در این وادی قرار بگیرند و از فرسنگ‌ها دور از وطن، مضامین اجتماعی میهن خویش را به رشته نگارش درآورند و در آینه‌ای تمام‌نما، منعکس کنند. وی به موارد مختلف نظر داشته و به خوبی توانسته است از مسائل ذهنی و اعتقادی و باوری سخن بگوید تا طبقات اجتماعی و اقشار مختلف به‌ویژه جایگاه زنان در جامعه سودان. وی به خوبی در قالب طنز، وقایع مختلف اجتماعی را به تصویر کشیده است. از گذشته و سنت سودان گرفته تا منازعات بر سر قدرت را در قالب جملات رمان، بیان کرده است. در جایی به مقام زن اشاره می‌نماید و در جایی دیگر آسیب‌هایی که زنان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند مانند خودکشی را در جامعه سنتی سودان، منعکس کرده است. به‌طور کلی؛ شخصیت این داستان‌نویس، اجتماعی ولی لحن و بیانش، طنزآمیز است. او جزئیات اجتماعی جامعه خود را به درستی درک کرده و سعی دارد تا در قالب رمان، جامعه‌ای سنتی که در حال گذار است را به نمایش بگذارد.

در پایان باید خاطر نشان کرد که سلسله مباحث و مضامین اجتماعی مطرح شده در رمان‌های *الطیب صالح* بر تحکیم روابط نوع انسانی و تعمیق آن، نگاه مسالمت‌آمیز، متقابلاً و محترمانه به مقوله من، خود، ذات، شرق، جنوب، دیگری، او، غرب و شمال، تلاش در راه برقراری جامعه‌ای مبتنی بر شرایط حاکم بر روستای ایده‌آل و فاصله خود یعنی ود حامد، بهره‌گیری از علم و دانش، ثروت و فن‌آوری و صنعت غرب در جهت ارتقای جامعه بشری و اجتناب از ورود مظاهر ناپسند، ناخوشایند، بی‌ارزش و هنجارشکن غربی به جوامع انسانی تأکید دارد.

کتابنامه

کتاب عربی

- بشری، محمد المهدي. ۲۰۱۵م، **الفلكلور في أدب الطيب صالح**، الطبعة الأولى، أم درمان- السودان: مركز عبدالكريم ميرغني الثقافي.
- صالح، الطيب. ۱۹۹۷م، **بندر شاه- مريود**، بيروت: دار الجيل للنشر.
- صالح، الطيب. ۲۰۰۶م، **بندر شاه- ضو البيت**، بيروت: دار العودة للنشر.
- طرابيشي، جورج. ۱۹۹۷م، **شرق وغرب؛ رجولة وأنوثة**، بيروت: دار الطليعة.
- محمدي، احمد سعيد. ۲۰۰۷م، **الطيب صالح عبقرى الرواية العربية**، الطبعة الخامسة، بيروت: دار العودة للنشر.

مقالات و پایان نامه‌ها

- ابراهيم، آصف. ۲۰۰۹م، «من الجنوب إلى الشمال عالم صغير يتحول إلى حكاية أمة»، الجوف- المملكة العربية السعودية، مجلة الجوبة، العدد ۱۳.
- بكرى، محمد عبدالخالق. ۱۹۹۹م، «قضية السطة والمدينة في بندر شاه»، القاهرة: كتابات سودانية، مركز الدراسات السودانية، العدد الثامن.
- بورايو، عبد الحميد. ۲۰۱۲م، «قراءة في رواية عرس الزين للطيب صالح»، الخرطوم، الصحافة، العدد ۲۱.
- حسينة. ۲۰۱۶م، «نبضة المرأة هي نبضة المجتمع عالم المرأة عند الطيب صالح»، لبنان، مجلة جيل للدراسات الأدبية والفكرية، العدد ۱۷.
- خفاجي، عبد الجواد. ۲۰۱۱م، «التجريب وتوظيف تراث البيئة المحلية»، الكويت، مجلة العربي، العدد ۴۲۸.
- العنزي، نورة بنت إبراهيم. ۲۰۰۹م، «العجائبى فى الرواية العربية نماذج مختارة»، أطروحة الماجستير فى اللغة والأدب العربى، كلية الآداب، جامعة الملك سعود، المملكة العربية السعودية.
- فرح، خالد محمد. ۲۰۰۹م، «الرواية السيرة فى منسى للطيب صالح»، الخرطوم، سودانيل، العدد ۲.
- فهمي، ماهر حسن. ۱۹۷۹م، «مريود أو هموم المثقفين للطيب صالح»، الدوحة، حولية كلية الإنسانيات والعلوم الاجتماعية، جامعة قطر، العدد الأول.
- الفياء، عبد المنعم عجب. ۲۰۱۰م، «عن المريود اللامنسى»، الخرطوم، سودانيل، ۲۰ شباط- فبراير ۲۰۱۰.

نعمتی قزوینی، معصومه. «رویکرد استعمارستیزی در اشعار حافظ ابراهیم و میرزاده عشقی»، فصلنامه مطالعات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره ۸، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۳. النقاش، رجاء. ۲۰۰۱م، «من لندن علی ظهر حمار»، القاهرة، صحيفة الأهرام، السنة ۱۲۶، العدد ۴۱۹۶۴.

واقف زاده، شمسی. «بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی و سیاسی در شعر جواهری و فرخی یزدی»، فصلنامه مطالعات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره ۱۰، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۵.

Bibliography

Salih, al-Tayeb (2006) Bandar Shah- Daw alBayt, Beirut, Dar al-Duda publishers, edition 2006.

Salih, al-Tayeb (1997), Bandar Shah- Maryood, Beirut, Dar al-Jayel publishers, al-Tawba al-Awli.

Tarabishi, George, (1997), "East and West Manhood and Femininity", Beirut, Dar Al-Talayah, 4th edition.

Mohammadi, Ahmad Saeed (2007) Al - Tayeb Salih genius Arabic novel, Beirut, Dar al-Duda publishers, 5th edition.

Bushra, Muhammad al-Mahdi (2015), "Folklore in the Literature of Tayeb Salih," Omdurman, Sudan, Abdulkarim Mergani Cultural Center, First Edition.

articles

Nemati Ghazvini, Masoumeh, The Colonialism Approach in the Poems of Hafez Ebrahim and Mirzadeh Eshghi, Comparative Study Quarterly, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Vol. 8, No. 32, Winter 2014.

Vahifzadeh, Shamsi, Comparative study of social and political themes in poetry Javaheri and Farrokhi Yazdi, Journal of Comparative Studies, Islamic Azad University, Jiroft Branch, Volume 10, Issue 39, Autumn 2016.

Ebrahim, Asef (2009) From south to north a small world turns into a nation tale, 13th.

Bakri, Mohamed Abdelkhaliq (1999) The Case of the Saty and Medina in Bandar Shah, Cairo, Sudanese Writings, Center for Sudanese Studies, No. 8.

Al-Naghash, Raja, (2001), " From London riding on the back of an ass", Cairo, Al-Ahram Newspaper, Year126, No. 41964.

Hassina, (2016), "The pulse of women is the pulse of society and the world of women in Tayeb Salih", Lebanon, Jail Journal of Literary and Intellectual Studies, No. 17.

Khafaji, Abdul Jawad, (2011), "Experimenting and Employing the Heritage of the Local Environment", Kuwait, Al Arabi, Issue 428.

Al-Anzi, Noura bint Ibrahim, (2009), "Wonderland in Arabic Fiction, Selected Models", Master's thesis in Arabic Language and Literature, Faculty of Arts, King Saud University, Saudi Arabia.

Farah, Khalid Mohammed, (2009), "The Novel Biography in Mansi al-Tayeb Salih", Khartoum, Sudan, No. 02-02-2009.

- Fahmi, Maher Hassan, (1979), "Maryood or the Intellectual Concerns of Tayeb Saleh," Doha, Yearbook of the Faculty of Humanities and Social Sciences, Qatar University, No. 1.
- Alfiya, Abdul Monem Ajab, (2010), " unforgettable Maryood ", Al-Khartoum, Sudanil, 20 o'clock February 2010.
- Boraio, Abdel-Hamid (2012) Read the novel of the wedding of Zein al-Tayeb Salih, Khartoum, press, No. 21- 2012-2012.

